

ترمیم بکارت از منظر فقه و حقوق (کتاب)

نویسنده: محمدکاظم حقانی فضل

• چکیده

ترمیم بکارت از منظر فقه و حقوق کتابی است فارسی و نوشته سید مرتضی میرزاده اهری درباره موضوع ترمیم بکارت که از موضوعات چالشی در فقه معاصر است. این کتاب پس از مقدمات در سه فصل تلاش کرده است ترمیم بکارت را از منظر فقه و حقوق بررسی کند. نویسنده که خود از موافقان جواز ترمیم است علاوه بر دلایل موافقان، دلایل مخالفان را نیز نقل و ارزیابی کرده است. مهم‌ترین دلیل جواز، اصل اباحه و اصل تسلط فرد بر بدن خویش است. ولی چون این کار همیشه همراه با لمس و نظر نامحرم است تنها وقتی جایز می‌شود که تحت عناوینی مثل نفی عسر و حرج و لزوم عیب‌پوشی و مانند آن قرار گیرد. از نظر نویسنده بکارت امری عرفی است و معیار ازاله بکارت، رابطه دخولی شرعی است. در همه مسائل فقهی مرتبط به بکارت همین تعریف از بکارت معیار قرار می‌گیرد.

کتاب مطالب غیرلازم فراوانی دارد که موجب حجیم‌شدن آن شده است. و در بخش استدلال‌ها نیز به این نکته بی‌توجهی شده است که دلیل اصلی همان اصل اباحه است و سایر دلایل عناوینی هستند که برای خلاصی از عنوان لمس و نظر نامحرم کارایی دارند. و از آن‌جا که عناوین مد نظر فقیهان ارتباط مستقیمی با ترمیم بکارت ندارند استدلال‌های موافقان به سد ذرائع نزدیک شده است.

معرفی و گزارش ساختار

کتاب ترمیم بکارت از منظر فقه و حقوق، از نخستین و مفصل‌ترین منابعی است که به موضوع ترمیم بکارت پرداخته است. این کتاب نوشته سید مرتضی میرزاده اهری است و مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) آن را منتشر کرده است. کتاب در همایش کتاب سال حوزه در سال ۱۳۹۶ش جزو کتاب‌های شایسته تحسین معرفی شده است.^[۱]

کتاب دارای یک مقدمه، سه فصل و یک پی‌گفتار است. در مقدمه اهمیت و جایگاه موضوع و نیز پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش مطرح شده است. فصل اول به کلیات اختصاص دارد و در چهار مبحث و یازده گفتار سامان یافته است. تعریف پرده بکارت و معرفی انواع آن، تعریف بکارت و ثبوت، ازاله بکارت، تاریخچه و بالاخره روش‌های ترمیم بکارت در این فصل آمده است.

فصل دوم: از دیدگاه فقه

عنوان فصل دوم کتاب ترمیم بکارت از منظر فقه است و نویسنده نظر مخالفان و موافقان جواز ترمیم را در این فصل گردآوری کرده است. این فصل دو مبحث و هشت گفتار دارد. نویسنده نخست دلایل قایلان به عدم جواز و سپس دلایل موافقان جواز ترمیم را مطالعه کرده است. و در هر بخش نیز دلایل ناظر به تکلیف دختران را جدا از دلایل ناظر به تکلیف پزشکان و مجریان ترمیم بررسی کرده است. چنان‌که دلایل مشترک بین ترمیم‌شونده و ترمیم‌کننده را نیز جدا گزارش و ارزیابی کرده است.

در مبحث سوم از فصل دوم هایمنوپلاستی زن شوهردار (ص ۳۳۹)، و نیز رابطه ترمیم بکارت با مفهوم دوشیزگی بررسی شده است. از نظر نویسنده اگر ملاک دوشیزگی سلامت پرده باشد تفاوتی بین پرده اولیه و ثانویه نیست و زنی که عمل هایمنوپلاستی کرده است دوشیزه محسوب می‌شود. ولی اگر ملاک دوشیزگی عدم دخول باشد دیگر این عمل نقشی در بازگشت وصف دوشیزگی ندارد (ص ۳۴۳).

فصل سوم: از دیدگاه حقوق

فصل سوم، ترمیم بکارت از منظر حقوق خصوصی و حقوق جزا را مد نظر قرار داده است. این فصل در شش گفتار سامان یافته است. یک گفتار ناظر به نسبت مفاهیمی مثل عیب، تدلیس و تخلف شرط با ترمیم بکارت است و گفتار دوم به آثار حقوقی ترمیم بکارت مثل تأثیر در اذن ولی برای نکاح، حق فسخ و مقدار مهریه پرداخته است.

در صورت آشکار شدن ترمیم بکارت و فسخ نکاح، نویسنده چند نظر نقل کرده است، مثل عدم استحقاق مهر یا استحقاق بخشی از مهریه. البته این که فسخ، قبل از دخول باشد یا بعد از آن حکم مهریه را متفاوت خواهد کرد. در فرض عدم فسخ نکاح نویسنده ترجیح می‌دهد که زن و شوهر درباره مقدار مهریه مصالحه کنند و در صورت عدم تصالح، مهریه زن درصدی از مهر المسمی است که بر اساس تفاوت مهر المثل باکره و غیرباکره سنجیده می‌شود. (ص ۳۹۷)

در بخش حقوق کیفری حجم قابل توجهی از بحث به بررسی ماهیت جزایی ترمیم بکارت تحت عنوان فریب در ازدواج اختصاص یافته است. برای تحقق این عنوان قصد فریب باید ثابت شود. و اگر ازاله بکارت ناشی از زنا باشد، عمل پزشک می‌تواند تحت عنوان «اخفای ادله جرم» (ص ۴۲۱) یا «معاونت در جرم فریب» قرار گیرد. با این حال نویسنده تصریح می‌کند که پزشک ترمیم‌کننده مسئولیت حقوقی نسبت به تدلیس در نکاح ندارد. (ص ۴۰۲) نویسنده در این فصل درباره تأثیر ترمیم بکارت در مهر المثل ازاله بکارت ترمیمی نیز بحث کرده است. (ص ۳۹۸)

مباحث غیر ضروری فراوان

کتاب ترمیم بکارت از منظر فقه و حقوق، کتابی است بسیار مفصل‌تر از حد نیاز. نویسنده مطالب بسیاری با محوریت انواع پرده بکارت، تاریخچه ترمیم بکارت، تفاوت نگاه اسلامی و غربی و امثال آن نگاشته است که هیچ تأثیر مستقیمی در بحث فقهی یا حقوقی ندارد. نقل قول‌های مستقیم از کتاب‌های فقهی به همراه ترجمه فارسی آن‌ها و مفهوم‌شناسی‌های لغوی و اصطلاحی در حد توضیح کلمه پرده و ازاله و فرج نیز بر این تفصیل افزوده است.

عامل دیگر تفصیل غیر ضروری کتاب، بررسی حجیت اصل قواعد فقهی است مثل بحث درباره مستندات قاعده عسر و حرج (ص ۳۰۶). نویسنده حتی پیشینه قاعده عدالت را نیز ذکر کرده است. (ص ۲۶۳) چنان‌که در تبیین هر یک از ادله نیز بحث را از مقدمات بعیده شروع کرده است. (ص ۳۰۴)

گزارش دلایل روایی و ناروایی ترمیم بکارت

نویسنده یازده دلیل برای حرمت ترمیم بکارت نقل می‌کند. سه دلیل تکلیف دختران را روشن می‌کند، دو دلیل تکلیف پزشکان را و شش دلیل نیز مشترک است. (ص ۱۸۱) و در نقطه مقابل برای اثبات جواز ترمیم بکارت سیزده دلیل آورده است که برخی فقط جواز برای ترمیم‌شونده را ثابت می‌کند و برخی دیگر مشترک بین ترمیم‌کننده و ترمیم‌شونده است و یک دلیل جواز ترمیم برای ترمیم‌کننده را ثابت می‌کند. (ص ۲۸۰)

بنابر گزارش نویسنده فقیهان اهل سنت غالباً بر اساس سدّ ذرایع، قیاس و استحسان به ترمیم بکارت نظر کرده‌اند و با مقایسه مصالح و مفاسد مترتب بر آن حکم تکلیفی مسئله را بیان کرده‌اند، ولی قاطبه فقهای شیعه بحث را از اصل اباحه شروع کرده و سپس به لوازم ترمیم بکارت توجه کرده‌اند. (ص ۴۴۳-۴۴۴)

دلایل مخالفان

مهم‌ترین دلیل، عدم جواز لمس و نگاه نامحرم است که برای زنان از عنوان لزوم حفظ فروج (ص ۱۸۱) و برای پزشکان از عنوان حرمت لمس و نظر به عورت غیر (ص ۲۶۹) استفاده شده است. به نظر نویسنده در موارد ضروری از این دلیل می‌توان رفع ید کرد. (ص ۱۸۷ و ص ۲۷۲)

دلیل دیگر قاعده‌ای است با عنوان «وجوب تحمل ضرر خاص به جهت دفع ضرر عام» (ص ۱۸۸). بر این اساس در صورت تراحم دو ضرر، باید از ضرر عام پرهیز کرد و به ضرر خاص تن داد. به ادعای نویسنده این قاعده کلیت ندارد و باید مقدار هر یک از ضررها را مقایسه کرد و ممکن است گاه ضرر عام را به نفع ضرر خاص تحمل کنیم. (ص ۱۹۴-۱۹۵)

قاعده دیگری که مورد استناد فقیهان قرار گرفته است قاعده ارش است که بر اساس آن وقتی بابت جنایتی ارش گرفته می‌شود دیگر ترمیم آن معنا ندارد (ص ۱۹۵) مؤلف کتاب این قاعده را نمی‌پذیرد و معتقد است حکم به لزوم پرداخت ارش نافی حق ترمیم نیست، غیر از این که همیشه ازاله بکارت ناشی از جنایت نیست که ارش داشته باشد. (ص ۱۹۹)

دلیل دیگر حرمت تغییر در تکوین و خلقت خدا است (ص ۲۰۱) که به نظر نویسنده این دلیل نیز ناکارآمد است و منظور از تغییر خلقت تغییر در دین و بدعت‌گذاری است که با هدفی غیر الهی و باطل انجام می‌شود. (ص ۲۰۶-۲۰۷)

دلایل دیگری مثل حرمت تدلیس و فریب در نکاح، (ص ۲۰۸)، حرمت تسهیل زمینه فحشا (ص ۲۴۰)، قاعده «الضرر لا یزال بالضرر» (ص ۲۴۷)، حرمت اختلاط نسب (ص ۲۵۵)، و قاعده عدالت (ص ۲۶۰) را نیز مطرح کرده و همه را نقد می‌کند. و سپس به عنوان دلایلی که برای اثبات عدم جواز ترمیم برای پزشکان اقامه شده است به حرمت لمس و نظر به عورت غیر (ص ۲۶۹) و حرمت اعانه بر اثم (ص ۲۷۴) اشاره می‌کند. مؤلف در مقام نقد دلیل آخر به تفاوت دو مفهوم «تعاون در اثم» با «اعانه بر اثم» تأکید می‌کند (ص ۲۷۶) و نیز تصریح دارد که اعانه بر ظلم غیر از اعانه بر اثم است (ص ۲۷۷) غیر از این که این قاعده شمول ندارد و مخصوص برخی موارد است. و در نهایت نیز تصریح می‌کند که ترمیم بکارت اثم نیست. (ص ۲۷۸)

دلایل موافقان جواز

بر اساس آنچه نویسنده گردآوری کرده است، مهم‌ترین دلیل جواز ترمیم بکارت در آثار فقیهان، اصل اباحه و اصل برائت است. (ص ۳۱۴ و ۳۱۶) همچنین می‌توان با تکیه بر دلایل دیگری مثل تسلط افراد بر بدن خودشان (ص ۲۸۱)، لزوم پرهیز از موضع تهمت (ص ۲۸۵)، حرمت اعتراف به فحشا و گناه (ص ۲۹۰)، قاعده اضطرار (ص ۲۹۶)، و نفی عسر و حرج (ص ۳۰۴) جواز ترمیم بکارت را برای دختران مستدل کرد.

نویسنده همچنین دلایلی مثل لزوم منع اشاعه فحشا (ص ۳۱۷)، لزوم حفظ عرض و آبرو (ص ۳۲۰)، لزوم اصلاح فاسق (ص ۳۲۴)، لزوم حفظ نفوس (ص ۳۲۷)، و قاعده دفع افسد به فاسد (ص ۳۳۱) را جزو دلایلی شمرده است که می‌تواند اقدام به ترمیم را هم برای دختران و هم برای پزشکان اثبات کند. ولی از نظر او لزوم ستر عیوب دیگران فقط می‌تواند جواز ترمیم را برای پزشکان ثابت کند. (ص ۳۳۵)

روش‌ها، مبانی و مدعیات

نویسنده کتاب ترمیم بکارت روش‌شناسی خود را تحلیلی- انتقادی توصیف کرده است (ص ۳۹) ولی مبانی اختصاصی خود را به طور مستقل تبیین نکرده است.

روش‌شناسی

کتاب ترمیم بکارت روشی گزارشی و تحلیلی دارد و رویکردش در نقد ادله اجتهادی است. پس از مفهوم‌شناسی و تحلیل دلیل، تطبیق و عدم تطبیق آن بر ترمیم بکارت را ارزیابی کرده و در هر بخش نظر خود را نیز بیان کرده است. در فصل سوم نیز همین فرایند را در مباحث حقوق پی گرفته است. بر همین اساس بخش اعظم کتاب به گزارش استدلال‌های فقیهان شیعه و اهل سنت و نیز آراء حقوق‌دانان اختصاص یافته است.

بکارت امری عرفی است

نویسنده یازده احتمال درباره معنای باکره بودن را از متون فقهی استخراج کرده و سپس نظر خود را بیان کرده است. (ص ۸۴-۹۰) نویسنده باکرگی را موضوعی عرفی می‌داند که دخالت فقیهان در آن نمی‌تواند حجت باشد و آنچه فقیه می‌گوید به اندازه سخن یکی از اهل عرف ارزش دارد. (ص ۳۷۴) نویسنده تصریح می‌کند که در از نظر عرف معیار دوشیزگی عدم رابطه جنسی منجر به دخول از روبرو است.

باتکیه بر مبنای نویسنده در تعیین باکره، از نگاه او زنان از نظر باکرگی به سه قسم تقسیم می‌شوند؛ باکره حقیقی که هیچ‌گونه رابطه جنسی نداشته است، باکره حُکمی که دخول در قُبُل نداشته است و باکره جعلی که هر چند رابطه دخولی از راه حرام داشته است اما چون تحت ولایت ولی است باکره محسوب می‌شود. (ص ۴۳۹)

بنابر این اگر دختر رابطه جنسی نداشته باشد و به هر دلیلی بکارت او از بین رفته و سپس ترمیم شده باشد، عمل ترمیم از سوی او تدلیس در نکاح نیست. (ص ۳۶۷) چنان‌که چنین شخصی مشمول حکم تدلیس در نکاح یا تخلف از شرط هم نیست. (ص ۳۷۵) و به همین دلیل اگر ازاله بکارت از طریق دخول شرعی نباشد، دختر همچنان نیازمند اذن ولی شرعی است. (ص ۳۷۸)

تکیه بر اصول اباحه، برائت و تسلیط

نویسنده کتاب خود با نظریه جواز ترمیم موافق است. او دلایلی مثل اصل اباحه و اصل برائت و قاعده تسلط افراد بر بدن خودشان را برای اثبات اصل جواز ترمیم کافی می‌داند ولی معتقد است چون همیشه این عمل با لمس و نظر نامحرم همراه است این دلایل نمی‌توانند جواز را ثابت کنند. وی سپس گروهی از عناوین را برمی‌شمرد که حاکم بر حرمت لمس و نظر نامحرم هستند و با این عناوین جواز ترمیم را ثابت می‌کند.

ترمیم بکارت جایز است

بنابر گزارش نویسنده به فتوای تمام فقیهان شیعه ترمیم بکارت خودبخود حرام نیست و آنچه باعث حرمت آن می‌شود ملازمات آن از قبیل لمس و نگاه نامحرم است. که در این صورت اگر ضرورتی در بین باشد ترمیم بکارت می‌تواند برای زن مجاز باشد. (ص ۴۳۸)

از منظر حقوقی نیز ترمیم بکارت عیبی برای زن محسوب نمی‌شود و بنابر این زوج با تکیه بر آن حق فسخ پیدا نمی‌کند (ص ۲۵۴) هر چند اگر مصداق تدلیس در نکاح یا تخلف از شرط باشد می‌تواند مجوز فسخ نکاح یا کاهش مهریه باشد. و اگر باعث فریب در نکاح باشد جرم محسوب می‌شود. (ص ۳۷۵)

بررسی و ارزیابی

ترمیم بکارت مخالفی ندارد!

با تکیه بر گزارش نویسنده از استدلال‌های مخالفان می‌توان نتیجه گرفت به جز کسانی که ترمیم بکارت را با تکیه بر حرمت تغییر خلقت الهی، قاعده ارش یا قاعده عدالت ممنوع می‌دانند، هیچ فقیهی این کار را با عنوان اولی حرام ندانسته است. و همه دلایل مخالفان متکی به لوازم و توابع ترمیم بکارت است و استدلال‌کنندگان در واقع به دلیل لوازم غیرشرعی ترمیم است که با آن مخالفند.

از سوی دیگر نویسنده در بحث از دلایل موافقان چنین گزارش کرده است که اصل ترمیم بکارت جایز است ولی چون در غالب موارد با لمس و نظر نامحرم همراه است حرام می‌شود. بر این اساس دلایلی که به‌عنوان مستند جواز ترمیم ذکر شده‌اند در واقع دلیلی برای جواز لمس و نظر هستند نه اصل ترمیم. با این توضیح روشن می‌شود که به‌جز کسانی که به حرمت تغییر خلقت الهی استناد کرده‌اند، دیگران ترمیم را حرام نمی‌دانند و همه اختلاف‌ها بر سر این است که با تکیه بر کدام عنوان می‌توان از لوازم غیرشرعی ترمیم مثل حرمت لمس و نظر دیگران پرهیز کرد.

با توجه به این نکته مشخص نیست چرا نویسنده این استدلال‌ها را به عنوان دلیل مخالفت ذکر کرده است در حالی که شیوه استدلال به آن‌ها تفاوتی با استدلال‌های موافقان ندارد. به نظر می‌رسد درست‌تر آن بود که ساختار بحث نه بر اساس مخالفت و موافقت با ترمیم، بلکه بر اساس تطبیق یا عدم تطبیق عناوین دیگر بر ترمیم بکارت شکل می‌گرفت.

به عبارت دیگر باید گفت ترمیم بکارت به‌عنوان اولی حرام نیست، ولی به خاطر عارض شدن برخی عناوین مثل لمس و نظر غیر، حرام می‌شود ولی در نقطه مقابل عناوین دیگر فقهی هستند که باعث رفع آن حرمت می‌شوند مثل اضطرار و پرهیز از مواضع تهمت. این عناوین

نیز هیچ یک کلیت ندارند و کاملاً موردی و جزئی هستند. و هر مکلفی می‌بایست وضعیت خود را مطالعه کرده و تکلیف خود را تشخیص دهد.

دلایلی از سنخ سد ذرائع

دلایلی که نویسنده برای اثبات جواز ترمیم نقل و گاه تأیید کرده است به نوعی تحت عنوان سد ذرائع قرار می‌گیرند. عناوینی مثل لزوم پرهیز از مواضع تهمت یا حرمت اعتراف به فحشا و گناه، هیچ‌یک به‌طور مستقیم به عمل ترمیم ارتباط ندارند. توضیح آنکه اگر دختری بکارتش را ترمیم کرده باشد، و بخواهد ازدواج کند ممکن است در موقعیتی قرار بگیرد که مورد اتهام واقع شود یا مجبور به اعتراف به گناه شود و ترمیم بکارت می‌تواند راهی باشد تا مانع افتادن مکلف در وضعیت‌های مذکور باشد. روشن است که این وضعیت‌ها راه‌حل‌های جایگزین دارند؛ هم شخص می‌تواند کاری کند که اصولاً در این موقعیت قرار نگیرد، هم می‌تواند از راه‌های دیگر مثل توبه یا دروغ استفاده کند.

ناتوانی ادله از اثبات مدعا

نویسنده برخی از دلایل جواز ترمیم را تأیید کرده است. ولی گاه این دلایل ناتوان از اثبات مدعی هستند. مثلاً عنوان «اعتراف به فحشا و گناه» تنها زمانی صدق می‌کند که بکارت دختر از راه دخول غیر مشروع زایل، ازدواج نیز برای دختر واجب باشد، و آگاهی شوهر از این وضعیت نیز مفسده مهمی داشته باشد و هیچ راه دیگری نیز برای کتمان رابطه نامشروع سابق یافت نشود. افزون بر این در فقه اسلامی، حرمت اعتراف به فحشا، گناه مستقلی نیست و تابع عناوین دیگر همچون تشییع فاحشه و حفظ حرمت مؤمن است. بنابر این اگر زنی بتواند بدون آنکه گرفتار این دو عنوان بشود رابطه گذشته خود را برای شوهر آینده‌اش بیان کند و اثر سوئی بر آن مترتب نباشد، این دلیل صدق نخواهد کرد.

همچنین استدلال به قاعده‌ای مثل لزوم ستر عیوب دیگران منوط به این است که دلالت آن را از لزوم کتمان عیب، که عملی سلبی است توسعه داده و به انجام عملی ایجابی برای لزوم عیب‌پوشی سرایت دهیم. در واقع این که پزشک دست به عملی بزند تا مانع موارد احتمالی افشای عیب برای شخص دیگری شود قابل استناد به لزوم ستر عیوب نیست.

عدم توازن در دلایل جواز ترمیم

دلایل جواز ترمیم از نظر اهمیت و اولویت یکسان نیستند. توضیح آنکه بر اساس ادعای نویسنده ترمیم بکارت اصالتاً و به عنوان اولی مباح است، ولی از آنجا که در بیشتر و بلکه در همه موارد مستلزم نگاه و لمس نامحرم است، حرام شده است. حال اگر عنوان دیگری پیدا شود که ملاکی قوی‌تر از حرمت لمس و نگاه نامحرم داشته باشد، ترمیم جایز خواهد بود.

بدین ترتیب روشن می‌شود که دلایل جواز ترمیم بکارت یک وزان ندارند. اصل اباحه و برائت به عنوان اولی آن را جایز می‌کنند، ولی ادله دیگر عنوان ثانوی هستند و لزوماً بر همه مصادیق تطبیق نمی‌کنند. یعنی ممکن است برای یک فرد از باب نفی عسر و حرج، و برای دیگری از باب حفظ عرض و آبرو جایز باشد. و چه بسا که در برخی عنایین مثل خوف خطر جانی حتی بتوان ترمیم را واجب دانست. این عدم توازن از دید نویسنده دور مانده و همه دلایل را در یک سطح در نظر گرفته است.

تفاوت بنیادینی هم بین اصالة الاباحه، اصالة البرائة و تسلط بر بدن وجود ندارد ولی نویسندگان تحت سه عنوان و سه دلیل به آنها توجه کرده است.

اثبات جواز یا حرمت برای یک مصداق؟

بسیاری از عناوین رواساز یا نارواساز که در کتاب آمده است فقط یک فرض قابل تصور عرفی دارند. زیرا مهم‌ترین یا تنها فرض قابل تصور در بیشتر استدلال‌های جواز ترمیم بکارت، جایی است که دختر بخواهد ازدواج کند و در موقعیتی قرار بگیرد که مجبور باشد درباره رابطه گذشته‌اش توضیحاتی بدهد و آن توضیح دادن نیز مفاسدی داشته باشد. پرسش آن است که آیا جایز است کسی خود را در معرض این عناوین ثانویه قرار دهد؟ آیا اقدام به ازدواجی که زن می‌داند به احتمال زیاد منتهی به یک وضعیت اضطراری می‌شود جایز است؟ نویسندگان به این پرسش پاسخی نداده است.

معیار باکرگی

بکارت با چند مسئله فقهی پیوند نزدیک دارد از جمله اذن پدر برای ازدواج دختر، مقدار مهریه، حق فسخ در صورت عدم بکارت. نویسندگان مفهوم باکرگی را عرفی می‌دانند نه شرعی. و نیز تلاش کرده است برای باکرگی معیار واحدی بدهد و همان را در همه مسائل مربوط به بکارت مثل اذن ولی، مهریه و حق فسخ جاری می‌داند.

با مروری به فتاوی فقیهان معاصر روشن می‌شود که برخی از ایشان معیارهای دوگانه‌ای برای بکارت پذیرفته‌اند. چنان‌که آیه الله خامنه‌ای و آیه الله مکارم شیرازی در فتواهایشان بر این تفاوت معیار تصریح کرده‌اند.^[۲] در حالی که نویسندگان در جایی از کتاب این مدعای خود را مستدل نکرده است.

جستارهای وابسته

- ترمیم بکارت (منابع مطالعاتی)
- رحم جایگزین (منابع مطالعاتی)
- عقیم‌سازی (منابع مطالعاتی)

پانویس

۱. ↑ ویژه‌نامه نوزدهمین همایش کتاب سال حوزه، ص ۷۱.

۲. ↑ قاسمی، دانشنامه فقه پزشکی، ج ۱، ص ۳۷۲-۳۷۳.

منابع

- قاسمی، محمدعلی، دانشنامه فقه پزشکی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، ۱۳۹۵ ش.
- میرزاده اهری، سید مرتضی، ترمیم بکارت از منظر فقه و حقوق، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، ۱۳۹۵ ش.

- ویژه‌نامه نوزدهمین کتاب سال حوزه، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۶ش.

